



پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: محمدعلی صادقی شکیب، ۱۳۹۵

## بررسی فقهی حدیث بعثت بالحنفیه السهله السمحه (قاعده تسامح)

در فقه و دین به هیچ عنوان تساهل و تسامح به معنای سهل‌انگاری، بی‌تفاوتی و بی‌قیدی، راه ندارد. در ضروریات حوزه‌ی فقه، تساهل راه ندارد ولی در ظنّیات می‌توان قایل به تساهل و تسامح شد. اگر در ضروری دین قایل به آن شویم لازم‌هاش پذیرفتن نقیض آن است. تسامح در ادله‌ی سنن به معنی نیاز نداشتن به دلیلی معتبر در مستحبات و مکروهات، امری نادرست است؛ چرا که سنن نیز مانند احکام الزامی، حکم شرعی و نیاز به دلیل معتبر دارد، و گرنه مورد خطاب آیه «أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَيَّ اللَّاهِ تَفَتَّرُونَ؛ آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می‌بندید؟» خواهد بود. تعبیر «شریعت سمحه و سهله» اصطلاحی است که توسط فقها از عبارت الحنفیه السمحه و السهله از روایات نبوی (صلی الله علیه و آله) اخذ شده است و تقریباً در سراسر ابواب فقهی در استنباط برخی احکام توسط فقها به آن استناد شده است، اگرچه نقش آن در باب طهارت و عبادات چشمگیرتر نسبت به سایر ابواب است. برخی قواعد فقهی از قبیل اصالة الطهارة، قاعده‌ی فراش، قاعده‌ی درأ، قاعده‌ی جب، قاعده‌ی سوق المسلمین، قاعده‌ی نفی عسر و حرج، تمام امارات و غیره؛ حکایت از شریعت سمحه و سهله دارند. از آنجا که فقهای عظام شریعت اسلام را سمحه و سهله یافتند، در بسیاری از فروع احکام به دلیل شریعت سمحه و سهله تمسک نموده‌اند. مفهوم تکلیف (مشقت) با مفهوم سمحه و سهله ناسازگاری ندارد زیرا شریعت سمحه و سهله نافی آن نوع احکامی است که به جهت مشقت زیاد عادتاً مقدور انسان نیست و البته شریعت اسلام حاوی تکالیف سخت است اما آن نوع تکالیفی که عادتاً مقدور انسان باشد. کاربرد فقهی شریعت سمحه و سهله در قیاس با قاعده‌ی نفی عسر و حرج فقهی مصطلح نقش مبنایی دارد با این تفاوت که فقها عموماً در صدور احکام اولیه به شریعت سمحه و سهله تمسک نموده ولی در صدور احکام ثانوی به قاعده‌ی نفی عسر و حرج استناد نمودند، هر چند جهت نفی احکام حرجی گاهی به دلیل نفی حرج و دین استناد شده است که در این صورت مترادف با شریعت سمحه و سهله به کار برده شده است. شریعت سمحه و سهله موافقت اصولی با قرآن و سنت داشته و در سیره‌ی پیشوایان اسلام در عرصه‌ی فقه و اخلاق و سیاست ظهور یافته است. حدود تسامح و تساهل در فقه معین است و مواردی که تسامح و تساهل اساساً در آن راه نیافته است، شناسایی و معرفی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تسامح، فقه، حقوق الله، شریعت

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۰۴۰۷۹۵۱۰۰۲

تاریخ دفاع: ۱۳۹۵/۱۱/۰۵

رشته‌ی تحصیلی: الهیات و معارف اسلامی

دانشکده: علوم انسانی



### **M.A. Thesis:**

## Study of a modern jurisprudential sent Balhanafiye easy-magnanimous (base Tolerance)

In jurisprudence and religious tolerance means no ignorance, indifference and promiscuity, no way. In the field of legal requirements, has no tolerance but Znyat can be attached to tolerance. If the required religion presupposes that we accept the negation of it. Traditions of tolerance in the proofs means no need for a valid reason in the discretions and abominable wrong, because the traditions as well as the rules required, Sutra and the need for a valid reason, and otherwise addressed by the verse (Yones/59) will be. Interpret "the law is full of tolerance and indulgence," a term used by scholars from the Alhanyfyah Alsomehah and Alsahlah of the Prophet's sayings (peace be upon him and his progeny) taken and in almost all fields of jurisprudence in reasoning, some provisions have been invoked by jurists, although its role in the purity and devotion is impressive compared to other fields. Some legal rules such as originality Altharh rule mattress, income rule, rule Jeb, leading Muslim rule, Rule hardship, all the statistics and so on; suggests that the law is full of tolerance and indulgence. Since the great jurists of Islam is full of tolerance and indulgence of the law were, in many branches of the provisions of the law is full of tolerance and indulgence, have recourse. The concept of task (suffering) is incompatible with the concept of full of tolerance and indulgence for the law is full of tolerance and indulgence, it negates the provision that allowed normally for much human suffering and of course hard work but it kind of Islamic law contains obligations that normally allow humans. The application of Sharia jurisprudence is full of tolerance and indulgence, in analogy with Rule hardship basis of a common legal the difference is that scholars generally full of tolerance and indulgence, adherence to the law and basic sentences, but sentences were secondary to invoke Rule hardship, however, sometimes under hardship provisions to negate the negation of sin and religion were cited in which case full of tolerance and indulgence synonymous with the law is applied. The law is full of tolerance and indulgence Lifestyle agreed in principle to the Qur'an and Sunnah and Islamic leaders in the fields of jurisprudence, ethics, and politics is emerging. About tolerance in Islamic jurisprudence is given and where tolerance is basically not in that way, identified and introduced.